

حادثه‌ها

افشای جزئیات یک درگیری خیابانی

● **شرق:** مرکز اطلاع‌رسانی پلیس پایتخت با اشاره به خبری که دوماه پیش از ضرب‌وشتن یک امربه‌معروف منتشر شده بود، این فرد را امربه‌معروف قلابی معرفی کرد. مرکز اطلاع‌رسانی پلیس تهران بزرگ اعلام کرد: «نیمه‌های دی امسال یکی از سایت‌های خبری، خبر ضرب‌وشتن و حمله به یک امربه‌معروف را منتشر کرد که با توجه به حساسیت موضوع بلافاصله پلیس تهران بزرگ وارد عمل شد و تحقیقات خود را در این زمینه آغاز کرد و در این تحقیقات که از سوی ماموران پلیس تخصصی فرماندهی انتظامی تهران بزرگ صورت گرفت، مشخص شد ماجرا آن‌گونه هم که منتشر شده بود، نیست.» مرکز اطلاع‌رسانی پلیس تهران خاطرنشان کرد: «در خبر مذکور آمده بود در نیمه‌های دی‌ماه امسال یک امربه‌معروف که در یکی از خیابان‌های محدوده شمال تهران درحال تردد بود، متوجه درگیری و ایجاد مزاحمت از سوی راننده یک دستگاه خودروی سواری برای یک‌زن جوان شد و برهمین‌اساس سعی کرد ضمن نجات زن جوان او را از مهلکه دور کند که از سوی فرد مزاحم، مورد ضرب‌وجرح قرار گرفت و مجروح شد. درهمین‌راستا، پرونده‌ای تشکیل و باتوجه به حساسیت موضوع به پلیس امنیت عمومی تهران بزرگ ارجاع شد و ماموران این یگان برای بررسی بیشتر وارد عمل شدند. در تحقیقات انجام‌شده از شاهدان عینی ماجرا، مشخص شد حدود ساعت سه عصر ۱۴دی‌ماه، سه‌سرنشین یک‌دستگاه خودرو سفیدرنگ، با تک‌سرنشین یک خودرو سواری دیگر درگیری لفظی پیدا کردند و ناگهان راننده خودرو تک‌سرنشین با سلاح سرد به یکی از سه‌سرنشین خودرو سفیدرنگ حمله و وی را به‌شدت مجروح کرد. با گسترش تحقیقات، یکی از سرنشیمان خودرو سفیدرنگ شناسایی و برای تحقیقات به پلیس امنیت عمومی تهران بزرگ دعوت شد که در بازجویی‌های انجام‌شده بیان کرد، همراه یکی از دوستانش درحال عبور از محله مذکور بود که صدای جیغ یک‌زن را شنید و پس از رسیدن به محل درگیری، فرد مضروب را دید که درحال کمک به زن جوانی است که برای او مزاحمت ایجاد شده بود، اما ناگهان از سوی راننده مزاحم مورد حمله قرار گرفت و مجروح شد. تا اینجا از ظاهر امر چنین برمی‌آمد که ماجرا امربه‌معروف و کمک به زنی است که مورد مزاحمت قرار گرفته است، اما در تحقیقات بعدی از سوی پلیس مشخص شد اظهارات شاهدان ماجرا با گفته‌های فرد مضروب تناقض دارد و این امر ظن پلیس را بیشتر کرد و تحقیقات به‌صورت دقیق‌تر ادامه یافت، تا اینکه مشخص شد فرد مضروب (آمر قلابی!) با زنی که برای او مزاحمت ایجاد شده بود، از قبل آشنایی داشتند و این مساله باعث شد پلیس پس از شناسایی طرفین درگیری آنها را برای تحقیقات بیشتر به پلیس امنیت عمومی منتقل کند. در تحقیقات و بازجویی‌های بعدی مشخص شد خانم (ت- ن) با فرد مضروب (۱- خ) از پنج‌سال قبل آشنایی داشتند، اما به‌خاطر اختلاف‌هایی که بین آنها پیش آمده این ارتباط قطع شده و پس از آن خانم مذکور با دوست آمر قلابی به‌نام (ع- خ) آشنا شد و ارتباط برقرار کرد. این امر برای فرد مضروب گران تمام شد و در مدت‌زمانی که این دونفر با هم در ارتباط بودند، عکس‌هایی از آنها تهیه کرد و به‌این‌ترتیب با تهدید اینکه عکس‌ها را به خانواده زن جوان نشان می‌دهد، اقدام به چندمرحله اخاذی حق‌السکوت به وی پرداخت کرد. در تحقیقاتی که متعاقب این ماجرا انجام گرفت معلوم شد ضارب و مضروب نیز از پیش با هم آشنایی داشتند و درگیری میان آنها درخصوص امربه‌معروف نبود.

مسمومیت ۷۰ دانشجو در شیراز

● **ایسنا:** سخنگوی اورژانس کشور از مسمومیت ۷۰دانشجوی دختر یکی از دانشگاه‌های شیراز خبر داد. مجتبی خالدي در این‌باره گفت: شامگاه دوشنبه خیر مسمومیت دانشجویان در یک مجتمع خوابگاهی به اورژانس اطلاع داده شد و به‌دنبال آن عوامل اورژانس به محل حادثه که خوابگاه‌های دانشجویی یکی از دانشگاه‌های شیراز بود اعزام شدند. وی با اشاره به انجام اقدامات درمانی از سوی عوامل اورژانس اظهار کرد: پس از حضور عوامل اورژانس مشخص شد ۷۰نفر از دانشجویان این دانشگاه پس از صرف شام دچار مسمومیت شدند که خوشبختانه با اقدامات انجام‌شده از سوی عوامل اورژانس، اکثر آنها در محل به‌صورت سریایی تحت درمان قرار گرفتند و تنها دونفر برای انجام اقدامات درمانی بیشتر به بیمارستان علی‌اصغر شیراز منتقل شدند.

قاتل مخوف دستگیر شد

● **باشگاه خبرنگاران:** مرد شرور با سابقه آدم‌ربایی، قتل و اخاذی توسط پلیس اطلاعات شهرستان ایرانشهر دستگیر شد. سرهنگ محمد دفتری، فرمانده انتظامی ایرانشهر، در این‌باره گفت: ماموران پلیس اطلاعات شهرستان ایرانشهر به‌دنبال پیگیری پرونده آدم‌ربایی و رباهی گروگان که دوماه قبل در این شهرستان رخ داده بود، با انجام اقدامات اطلاعاتی موفق شدند به کمک پلیس اطلاعات استان، محل اختفای فرد آدم‌ربا را شناسایی و دستگیر کنند.

اولین حکم قصاص چشم در ایران صبح دیروز در زندان رجایی‌شهر اجرا شد. فرد محکوم با پوشیدن اسید به صورت مردی دیگر، او را نابینا کرده بود. صبح دیروز دو اسیدپاش به اتاق اجرای حکم زندان رجایی‌شهر منتقل شدند، یکی از آنها فردی بود که به صورت جوانی به نام داوود روشنایی اسید پاشیده و قرار بود چشم راستش نابینا شود اما این حکم به تعویق افتاد. نفر دوم که از قم به کرج منتقل شده بود سرنوشت متفاوت داشت.

متهم اول ۱۰سال قبل داوود را در پارکی در مجیدیه تهران هدف اسیدپاشی قرار داد و باعث نابینایی چشم راست و آسیب شدید به صورت او شد. مرد اسیدپاش هرگز انگیزه‌اش از این کار را توضیح نداد و در مراحل مختلف تحقیقات ادعاهای گوناگونی را مطرح کرد و حتی مدعی شد قربانی را با فردی دیگر اشتباه گرفته است. متهم بعد از کش‌وقوس‌های فراوان به قصاص

چشم و لاله گوش محکوم و دیروز برای اجرای حکم آماده شد. داوود در این باره به خبرنگار ما گفت: «صبح دیروز برای اجرای حکم به زندان رجایی‌شهر رفتم ابتدا فقط خودم را به داخل زندان راه دادند اما چون جو سنگین بود خواهش کردم اجازه بدهند پدرم هم کنارم باشد که موافقت کردند. بعد از آن تمام مراحل اجرای حکم انجام شد. محکوم، روی تخت دراز کشید و به او داروی بیهوشی تزریق کردند و از من پرسیدند که خودت حکم را اجرا می‌کنی یا ما انجام بدهیم که گفتم شخصا حکم را اجرای کنم در این لحظه پدر و برادر محکوم که در آنجا حضور داشتند، شروع به گریه کردند و از من می‌خواستند از تصمیم خود منصرف شوم. روحانی مستقر در زندان هم از من خواست با توجه به فرارسیدن ایام فاطمیه، حداقل تا پایان این ایام از اجرای حکم خودداری کنم که من هم به احترام این

حوادث

اجرای اولین حکم قصاص چشم در ایران

ایام با درخواست ایشان موافقت کردم. روشنایی گفت: باتوجه به اتفاقات دیروز، اجرای حکم قصاص، به بعد از پایان ایام فاطمیه در فروردین سال آینده موکول شد. تسنیم گزارش داد پس از آنکه داوود به متهم مهلتی دوباره داد اجرای حکم قصاص دیگری که آن هم مربوط به اسیدپاشی بود در دستور کار قرار گرفت و برخلاف پرونده قبلی، در این پرونده، عامل اسیدپاشی قصاص شد. این اسیدپاشی ۱۲مرداد ۸۸در قم به‌وقوع پیوست و دوموتوسوار روی یک‌راننده تاکسی اسید پاشیدند و باعث نابینایی هر دوچشم او شدند. مرد مصدوم در جریان تحقیقات گفت: «سه‌سال پیش ازدواج کردم، اما با همسرم اختلاف داشتم و احتمال می‌دهم نقشه اسیدپاشی توسط خانواده همسرم اجرا شده باشد.» کارآگاهان در ادامه تحقیقات به رابطه دوخواهر با دومرد جوان پی بردند. پس از بازداشت چهارمتهم، بالاخره یکی از خواهران اعتراف کرد: «من

سرقت ۲/۵میلیاردی خواستگار قلابی از خانواده ۳دختر



جوان از او دعوت کردم و «حامد» همراه خواهرش که حدوداً ۳۰ساله بود به منزل ما آمدند. حامد که خودش را دانشجو معرفی کرد، مدعی بود پسر یکی از کارخانه‌داران سرشناس است و پدرومازش در تهران سکونت ندارند. به همین علت برای آشنایی اولیه، همراه خواهرش آمده است. حامد همچنین گفت پدرش برای او آپارتمانی در شهرک‌غرب خریده و او آنجا زندگی می‌کند. من برای بررسی موضوع به این خانه رفتم و مطمئن شدم حامد راست گفته است.»مالباخته در ادامه اظهاراتش گفت: «از زمان وقوع سرقت از «حامد» هیچ خبری نداریم و تصور می‌کنم او نزد پدرومازش رفته باشد.»کارآگاهان با توجه به اطلاعات به‌دست‌آمده درباره «حامد» به

محل زندگی وی در شهرک‌غرب رفتند و اطلاع پیدا کردند واحد مسکونی مورد ادعای حامد، استیجاری و همزمان با زمان سرقت از منزل مالباخته، تخلیه شده است. در ادامه، محل سکونت خانواده حامد در منطقه سه‌راه‌آذری شناسایی و در تحقیق از آنها مشخص شد این جوان ۲۳ساله حدود یک‌سال پیش با دختری جوان آشنا شد و قصد داشت با او ازدواج کند، اما وقتی با مخالفت خانواده مواجه شد با خانواده‌اش قطع رابطه کرد. همزمان با رسیدگی به پرونده سرقت دومیلیاردتومانی، بررسی پرونده‌های مشابه مشخص کرد دومالباخته دیگر نیز به همین شیوه و شکرگرد مورد سرقت قرار گرفته‌اند و از آنها حدود

و خواهر کوچکترم با شوهرنمان اختلاف داشتیم، به همین دلیل تصمیم گرفتیم آنها را از سر راه برداریم. دو مرد جوان را اجیر کردم تا شوهرم و همسر خواهرم را بکشند. طبق نقشه قرار بود اول روی شوهرخواهرم اسید بپاشند و سپس شوهرم به قتل برسد.» دومرد اجیرشده این ادعا را تایید کردند و متهم اصلی به قصاص عضو - نابینایی کامل هر دو چشم - پرداخت دیه و ۱۰سال زندان محکوم شد و این حکم به تایید رسید. برخی اخبار حاکی از آن است که صبح دیروز فقط حکم قصاص یکی از چشمان متهم اجرا شد.

محمد شهریاری سرپرست دادسرای جنایی در گفت‌وگو با خبرنگار خبر اجرای حکم قصاص چشم چپ متهم پرونده اسیدپاشی در قم را تایید کرد و گفت: برای اجرای حکم تمام امکانات پزشکی و درمانی وجود داشت و قصاص چشم راست این متهم به درخواست شاکي به تعویق افتاد.

۴۵۰میلیون‌تومان دزدی شده است. با توجه به شباهت پرونده‌های سرقت منازل در مناطق قیطریه، نارمک و دهکده المپیک، تصاویر حامد به دومالباخته دیگر نشان داده شد. یکی از آنها، حامد را به‌عنوان خواستگار دختر خود معرفی کرد اما دختر مالباخته دیگری وی را نه به‌عنوان خواستگار، بلکه به‌عنوان یکی از بستگان خواستگارش مورد شناسایی قرار داد. با توجه به اطلاعات به‌دست‌آمده درخصوص حضور دومین خواستگار قلابی در پرونده، تصاویر این شخص استخراج و با تحقیق از خانواده حامد، مشخص شد این شخص جوانی ۲۰ساله به نام «فرشید» است و او و حامد پس‌ردایی و پسرعمه هستند. کارآگاهان در ادامه به محل سکونت فرشید رفتند و متوجه شدند او نیز مانند حامد متواری شده است. تحقیقات برای دستگیری فرشید و حامد در دستور کار قرار داشت تا اینکه کارآگاهان اطلاع پیدا کردند فرشید همراه تعدادی از دوستانش برای تفریح به یکی از شهرهای شمالی رفته است. سرانجام این متهم هنگام بازگشت به تهران دستگیر شد. او که چاره‌ای جز بیان حقیقت نداشت، به همدستی با حامد اعتراف و همدستش به نام سمیرا (۳۱ساله) را معرفی کرد. با اعترافات به‌دست‌آمده از فرشید، حامد و سمیرا نیز در منطقه سعادت‌آباد، دستگیر شدند.

رخداد

قاتل فراری راشناسایی کنید

● **شرق:** پلیس تهران برای شناسایی فردی که از هفت‌سال قبل به اتهام قتل تحت تعقیب قرار دارد از مردم درخواست کمک کرد. به گزارش خبرنگار ما، تیراندازی در منطقه چرمشهر ساعت۱۸:۳۰روز ۲۹فروردین سال۸۶ از طریق مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰، به کلانتری حسن‌آباد اعلام شد. با حضور ماموران و انجام بررسی‌های اولیه مشخص شد جوانی ۲۴ساله به‌نام امیر بر اثر اصابت گلوله شلیک‌شده از سلاح شکاری مجروح و پس از انتقال به بیمارستان فوت شده است. کارآگاهان با انجام تحقیقات از شاهدان، اطلاع پیدا کردند نزاع به‌دنبال ورود چندداس گوسفند متعلق‌به مقتول به داخل زمینی زراعی و اعتراض صاحب زمین، آغاز شد. بلافاصله صاحب



به‌نام نوشاد دستگیر شد و در اعترافات خود عنوان کرد در درگیری حضور داشت، اما جنایت توسط کارگرش به‌نام «حاتم» انجام شد. «نوشاد» در اظهاراتش درخصوص نحوه مرگ مقتول گفت: «همراه حاتم درحال کشاورزی بودیم که ناگهان چندداس گوسفند وارد مزرعه شد. در همین زمان نیز مقتول وارد زمین شد. همراه حاتم برای بیرون‌کردن گوسفندان به‌سمت آنها رفتم که همین موضوع باعث آغاز درگیری ما با مقتول شد. ناگهان حاتم با سلاح شکاری‌ای که آن را برای حفاظت از حیوانات وحشی همیشه همراه داشت، به‌سمت مقتول شلیک کرد و متواری شد و ازآن‌زمان هیچ خبری از وی ندارم.» مرکز اطلاع‌رسانی پلیس آگاهی تهران بزرگ، دیروز اعلام کرد: «باتوجه به ادامه رسیدگی به این پرونده در اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ و به دستور مقام قضایی، مجوز انتشار تصویر متهم متواری پرونده صادر شده است و از شهروندانی که درخصوص مخفیگاه یا محل‌های تردد این شخص دارند، درخواست می‌شود اطلاعات خود در این خصوص را از طریق شماره تماس‌های۵۱۰۵۵۵۱۰ و ۵۱۰۵۵۲۴۸ دراختیار کارآگاهان اداره دهم ویژه قتل پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار دهند.»

بیست و نهمین بازارچه خیریه نوروزی رعد

29th Raad Charity Norouz Festival

۱۲ تا ۱۵ اسفند ماه ۱۳۹۳ ساعت ۱۰ تا ۲۲

3th to 6th March 2015 10 AM to 10 PM

شهرک غرب ، فیلیان هرمزان ، فیلیان پیروزان جنوبی، پلاک ۷۴

www.raad-charity.com

مرگ مرموز بعد از شکست عشقی

قضات برای تایید یکی از فرضیه‌های قتل یا خودکشی تصمیم می‌گیرند

شرق: معمای مرگ جوانی که به‌طرز مرموزی خفه شده، هنوز رازگشایی نشده و این پرونده در حالی مورد رسیدگی قرار گرفت که تنها متهم آن همچنان متواری است. به گزارش خبرنگار ما، مردی به نام حمید یک‌سال قبل به ماموران پلیس تهران خبر داد جسد جوانی به نام مراد در باغی پیدا شده است. این مرد به پلیس گفت وقتی به باغ رفته جسد را در حالی که حلق‌آویز شده بود پیدا کرده و خبر ندارد چه اتفاقی برای متوفی افتاده است. حمید مدعی شد چون قصد داشته به مراد کمک کند، طناب را باز کرده و جسد را پایین آورده، او به ماموران داد که «من فکر کردم این جوان تازه خودش را حلق‌آویز کرده است، او را پایین آوردم، بلکه بتوانم کمکش کنم اما متوجه شدم مرده و بدنش کاملاً سرد شده است.» بازپرس جنایی بعد از بررسی‌های اولیه دستور انتقال جسد به پزشکی‌قانونی را صادر کرد. تحقیقات بعدی نشان داد حمید با خاله مقتول رابطه مخفیانه داشته و آنها از مدت‌ها قبل همدیگر را می‌شناختند، همچنین معلوم شد حمید قبیل از اینکه ماموران را خبر کند، به یکی از دوستانش تلفن زده و گفته جسد خواهرزاده گلناز را پیدا کرده است. این موضوع باعث شد خانواده مراد با ادعای قتل شکایتی را به دادسرا ارایه دهند. پدر و مادر مراد در این شکایت گفتند: «ما با حمید نه مشکلی داشتیم و نه حتی او را می‌شناختیم. وقتی خواهرم گفت جسد مراد پیدا شده است، در جریان ماجرا قرار گرفتیم و بعد هم متوجه شدم گلناز و حمید با هم رابطه دارند. از آنجایی که ما اطلاعی از رابطه گلناز و حمید نداشتیم و حمید هم ابتدا موضوع را به دوستش اطلاع داده است و سپس ماموران را باخبر کرده، فکر می‌کنیم او فرزندمان را به قتل رسانده چراکه مراد هیچ مشکلی نداشت و دلیلی هم برای اینکه خودش را بکشد وجود نداشت. ما رابطه بسیار خوبی با هم داشتیم پسر ما نه با کسی درگیری داشت و نه اینکه دچار بیماری بود بنابراین او به دست حمید یا شخصی که این مرد وی را می‌شناسد به قتل رسیده است.» حمید وقتی در جریان قرار گرفت که خانواده مراد او را به‌دست‌داشتن در جنایت متهم کرده‌اند، متواری شد و ماموران برای به‌دست‌آوردن ردپایی از او گلناز را مورد بازجویی قرار دادند. این زن ادعاهایی را مطرح کرد که ظن بازپرس را در مورد خودکشی بیشتر کرد. این زن گفت: «من و حمید با هم رابطه داشتیم و کسی هم از این موضوع خبر نداشت. فقط مراد می‌دانست من و حمید همدیگر را